



بررسی شکل‌گیری و عملکرد عنصر هشتی در معماری ایرانی-اسلامی

ساسان لاریجانی، کارشناسی ارشد مهندسی معماری، sasan.larijani@yahoo.com

الهام صالحی، کارشناسی ارشد مهندسی معماری، eng_elhamsalehi@yahoo.com

چکیده

همواره در معماری، نحوه‌ی ارتباط فضای داخل و خارج به عنوان مسأله‌ای اساسی مطرح بوده تا حدی که این ارتباط خود نمایانگر نوع معماری می‌باشد. همان‌گونه که کوربوزیه معتقد است که تمامی تاریخ معماری فقط به روزنه‌ی دیوار می‌پردازد، می‌توان گفت که اندازه‌ی گشودگی یک فضا مشخص‌کننده‌ی میزان ارتباط آن با فضا یا محیط مجاور می‌باشد. باید گفت در معماری ایرانی، ورودی در حد یک بازشو خلاصه نشده، بلکه مجموعه‌ای از فضاها در غالب کالبدهای متنوع متفاوت می‌باشد، که یکی از این کالبدها، عنصر «هشتی» می‌باشد. هشتی در معماری ایرانی به عنوان فضایی چندعملکردی است که در عین جدا کردن فضای درگاهی از فضای دالان و حیاط، آن دو را به هم وصل کرده و خود نیز فضایی است مستقل که دارای سکوهایی برای نشستن و تعامل اجتماعی می‌باشد. این پژوهش بر آن است به تشریح عنصر هشتی و علل پیدایش آن به عنوان عاملی مستقل در سازمان ورودی معماری مسکونی ایرانی بپردازد. در این راستا علل شکل‌گیری هشتی را از نظر عملکردی، رفتاری و فرمی بررسی کرده و به بررسی مفاهیمی از قبیل حریمیت، اقلیم، مفصل و ... در شکل‌گیری این عنصر خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: "معماری ایرانی"، "ورودی"، "هشتی"



مقدمه

برای تحلیل یک فضا بایستی نقش‌های فرمی، عملکردی و رفتاری آن مورد بررسی قرار گیرد. این سه عامل در معماری روند رفت و برگشتی داشته، حذف یکی موجب ناکارآمدی عوامل دیگر می‌شود. آنچه موجب تفاوت در نوع معماری می‌شود، علاوه بر فرم و عملکرد مطلوب (که دارای تأثیر یکسانی بر اغلب مردم دارند) عمدتاً رفتار مردم ملل مختلف می‌باشد، که هر کدام مختص خود آن ملل بوده یا مشخصه‌ی آن ملت می‌باشد. برای پاسخگویی به این امر، نیازمند کالبد و روابط فضایی خاص و متفاوتی می‌باشیم. روحیات و رفتار ایرانیان، آنان را به خلق فضای دربرگیرنده و محاط بر انسان، به جای فضای قدعلم کرده در مقابل او، برخورد با فضای داخلی به جای پوسته‌ی خارجی واداشته است. (نوایی، حاجی قاسمی، ۱۳۹۰). توجه به درون و درونگرایی ایرانیان و معماری ایرانی، خود خبر از وجود نوعی رابطه‌ی خاص، بین فضای درون و بیرون می‌دهد، برای شناخت این رابطه باید به فضای مابین درون و بیرون در قالب «مفصل» (یعنی عنصر ورودی) و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی ورودی، نگاهی ویژه داشت. «هشتی» یکی از مهم‌ترین مفاصل تشکیل‌دهنده‌ی ورودی است که نقش پیونددهنده، تفکیک‌کننده، نظم‌دهنده و... می‌باشد. در این مقاله سعی بر آن است تا با بررسی هشتی به عنوان مفصل، در علل پیدایش آن از نظر کالبدی، فرمی و رفتاری، پژوهشی صورت گیرد.

روش تحقیق

روش این پژوهش مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است و رویکردی توصیفی دارد. در ابتدا به بسط مفهوم هشتی به عنوان مفصل و نیز ابعاد و چالش‌های پیش روی آن، خواهد پرداخت.

بیان مساله

معماری ایرانی، معماری‌ای رفتارگراست و رفتار، شکل‌دهنده‌ی فضاها و عملکرد صورت گرفته در فضاهای مربوطه‌ی آن می‌باشد. به این فضاها کالبد مناسب بر اساس عوامل مختلف اعمال می‌شود. حذف هر یک از این عناصر و کالبد‌های هویت بخش در معماری ایرانی اسلامی از جمله عنصر «هشتی»، می‌تواند عوامل مخربی را چه در کالبد و چه در الگوهای رفتاری جایز در معماری معاصر بگذارد. متأسفانه در معماری معاصر امروز، عناصری مثل هشتی و مانند آن، به دلیل الگوبرداری صرف از معماری مدرن غربی و بدون توجه به عواقب سوء نادیده گرفتن آن‌ها، حذف گشته‌اند، بدون اینکه عاملی یا راه‌حلی جایگزین برای این موارد پیش‌بینی گردد. این مقاله با هدف شناخت مزایا و پتانسیل‌های عنصر هشتی سعی بر آن دارد تا با پیشنهاداتی در حل معضل حذف اینگونه عناصر ارتباط مناسبی را بین معماری گذشته‌ی ایرانی با معماری حال حاضر در معماری معاصر امروز پیدا نماید.

مبانی نظری

هنر و معماری از پیشینه طولانی برخوردار بوده و با زندگی مردم پیوند نزدیکی داشته است. معماری از بارزترین جلوه‌های فرهنگ هر قوم و دوره تاریخی و نمایشگر محیط زیست آدمی است. در طول تاریخ و با رشد هنر معماری، ساختمان‌سازی علاوه بر تامین سر پناه در جهت آسایش و شرایط مطلوب زندگی، نیازهای روانی را نیز پاسخ گو بوده است. (محمدی، رجبی، ۱۳۸۹). ساختن پیش از هر چیز به معنای آفریدن، تعریف و تبیین کردن و محدود ساختن بخشی از زمین و دادن نقشی مشخص به آن است. محدوده در واقع فضای بیرونی و درونی را به وجود می‌آورد. محدوده هر مکان تلویحا نشان‌دهنده کنترل فرد یا گروهی است بر آن چیزی که در دل مکانشان رخ می‌دهد. روابط بین دو مکان یا بین داخل و خارج، از دو جنبه ارتباطی قابل بررسی است. چنین چیزی هم بر جدا بودن تصریح دارد و هم ارتباط، یا به بیان دیگر، تفکیک و انتقال، گسستگی و پیوستگی، حد و مرز و تداخل. آستانه و فضای گذر نیز، حکم مکان را می‌باند و نفوذپذیری محدوده‌ها را کنترل می‌کنند و به تفکیک فضایی صحنه می‌گذارند، در عین حال که امکان گذار فیزیکی یا بصری افراد را نیز فراهم می‌سازد. آستانه در حقیقت ماهیت محدوده را مشخص می‌کند. در و پنجره مشخص‌کننده دیوار، حضور آن و همچنین ضخامتش است. ولی آستانه‌ها،



حتی افزون بر آنچه ذکر شد، حاکی از ماهیت مکان‌هایی اند که خود دسترسی به آن‌ها را میسر می‌سازند و یا آنها را تجسم و نمود می‌بخشند. آستانه، مکانی است که در آن جهان واژگون می‌گردد. با توجه به ماهیت مسأله (علل به وجود آمدن هشتی در ورودی خانه‌های ایرانی) ابتدا به طرح موضوع خانه، (خانه‌ی ایرانی) می‌پردازیم.

خانه به عنوان مأوای انسان، همواره، نیازهای روانی او را پاسخگو بوده و مسکن رویایی او نیز محسوب می‌شود. گاستون بچلار می‌نویسد: آدمی پیش از افکنده شدن به جهان در گهواره خانه نهاده شده است. (G. Bachelard, (1958), Boston, 1964). در خانه آشنایی با جهان بی واسطه صورت می‌پذیرد. آن‌جا نیازی به گزینش مسیر و جست و جوی هدف نیست، جهان در خانه و حول آن ارزانی گردیده است. می‌توان گفت، خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته. زندگی روزمره معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ کرده و ازین رو همچون تکیه‌گاهی آشنا به پشتیبانی ما می‌نشیند. (شولتز، ۱۳۸۱)

ریشه و اصل خانه‌های دارای حیاط مرکزی به زمان‌های بسیار گذشته و به اولین خانه‌های شهری بازمی‌گردد. خانه (domas) یونانی و هم‌چنین خانه‌های بزرگ رومی دارای حیاط مرکزی و ایوان‌های ستون‌دار بودند. (شولتز نوربرت، ۱۳۸۰) واژه خانه که امروزه مصطلح است از گذشته به اتاق اطلاق می‌شده است... اتاق را گوستاق یا ستاخ یا وثاق می‌نامیدند و از واژه سرا به جای کلمه خانه در اصطلاح امروز آن... استفاده می‌کردند. در جنوب ایران اصطلاح خانه سرا (به معنی سرایی با اتاق است) مرسوم بوده است. (پیرنیا، ۱۳۸۷)

طبیعت اقلیمی ایران و آداب و رسوم، مراسم مذهبی، روحیه، اخلاقیات، اندیشه و عقیده نسل‌ها در معماری ایران انعکاس واضحی دارد. ما نه تنها در بناهای عظیم، بلکه در ابنیه و آثار کوچک هم این انعکاس را می‌توان دریافت. شکل‌گیری ورودی به عنوان یکی از عناصر مهم و مؤثر در معرفی افکار و نظریات دوران مربوط به خود است و متناسب، هماهنگ، پیوسته با امکانات، اهداف عملکردی و تفکرات دوره مربوط به خود شکل می‌گیرد. (دوستی مقدم، ۱۳۸۸)

ورودی (درآیگاه یا آستانه)

ورودی خانه‌های سنتی دارای اجزاء و ترکیبات تقریباً واحدی چون پیشطاق، سکو، درگاه، در به همراه اجزایی چون آستانه، کوبه، کلون، گلمیخ و گاهی روزن سردر، هشتی و دالان بود (عمق ورودیها معمولاً در حدود ۵ متر، عرض آنها بین ۳ تا ۴ متر و ارتفاع آنها بین ۳ تا ۵/۴ متر بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱) که این اجزاء و عناصر نه تنها امکان دیدار، گفتگو، توقف، انتظار و ورود را فراهم می‌کرد، بلکه واردشوندگان را بر حسب جنس (زن یا مرد)، کیفیت حضور (حضور در شب یا روز، در خواب یا بیداری، در هنگام استراحت یا زمان کار، در تنهایی یا جمع، در زمستان یا تابستان، در کنار طبیعت یا دور از آن) و رابطه آنها با خانواده (رابطه فردی یا جمعی، شخصی یا اجتماعی، کوتاه مدت یا درازمدت) به فضاهای مختلف خانه هدایت می‌کرد (هاشمی، ۱۳۷۵، ۲)

اصل سلسله مراتب در ورودی

سلسله مراتب، تلویحا در بردارنده‌ی تفوق فضاها یا اشیاست. ما سلسله مراتب‌های گوناگونی را همه روزه در سازماندهی تفکرات خود مورد استفاده قرار می‌دهیم. زیرا برای تسهیل جهت‌گیریمان در فضاهای پیچیده، به این گونه ارجاعات نیاز داریم. هنگامی که سلسله مراتب‌های متعدد و دارای ارزش‌های یکسان وجود داشته باشند، وضوح سلسله مراتب خدشه‌دار می‌گردد. (آیوازیان، ۱۳۹۰)

هنگامی که تنوع وجود دارد، سلسله مراتب عامل قوی یکدست‌سازی به شمار می‌آید. سلسله مراتب، امکان درآمیختن عناصر را با موجودات بزرگتر، ساده‌تر و تشخیص‌پذیرتر فراهم می‌سازد. آنچه برای معمار اهمیت دارد، شناخت سلسله مراتب تلویحی یا ضمنی قواره‌های هندسی معین است. (آیوازیان، ۱۳۹۰) در خانه مسیر از در ورودی به هشتی، دالان، حیاط، تختگاه تا شاه نشین، و تالار، سلسله مراتب دسترسی به اصلی‌ترین فضای خانه را فراهم می‌ساخته است. بنابراین جای تعجب زیادی نیست که معماری مسلمانان بدون تجزیه شدن، به صورت مفهومی فضایی، سلسله مراتبی را مطرح می‌کرده است. (Haider, 1988)



ساختمان‌ها در واقع ترکیب و آمیزه‌ای حجمی، از تعداد زیادی عنصر گوناگون‌اند. آن‌ها خود، در واحدهای بزرگتر که روابط بین قسمت‌های مختلف و کل مجموعه را تلفیق می‌کنند، به یکدیگر متصل می‌گردند. از آنجایی که ساختمان‌ها دارای ساختاری مرکب‌اند، نحوه‌ی برجسته‌سازی و تاکید بر اتصالات بین عناصر یا احیاناً کمتر نمایاندن واقعیت آنها، خود به ایجاد تفاوت‌هایی جدی در ویژگی‌های زیباشناختی منجر می‌گردد. (آیوایان، ۱۳۹۰)

در حقیقت ما قبل از وارد شدن به یک ساختمان، باید مسیری را طی کنیم تا به ورودی آن برسیم و این اولین مرحله در سیستم سیرکولاسیون است (دی کی چینگ، ۱۳۸۵) و ورودی از جمله فضاهایی است که کاملاً مبحث سلسله مراتب در آن رعایت شده، آشکار است. عنصر هشتی به عنوان اولین فضای واسطه‌ای مستقل و عامل ارتباط‌دهنده‌ی اصلی در فضای ورودی، می‌باشد. (یشمی، ۱۳۷۸) در گذشته اکثر خانه‌ها دارای هشتی و دالان بودند که از آنها یک یا چند راه به بخش‌های مختلف خانه منشعب می‌شد. قاعده هشتی ممکن بود به شکل‌های مختلف هشت ضلعی (پیرنیا، ۱۳۷۲) نیمه هشت ضلعی، شش ضلعی و یا چهارگوش باشد، اما اندازه هشتی، بستگی به استطاعت مالی صاحبخانه داشت. سقف هشتی اغلب موارد با کاربردی‌ها و آذین‌های زیبا ساخته می‌شد (شجاع رضوی، ۱۳۸۴) و به این خاطر که هشتی، محلی برای انتظار محسوب می‌شد، گاه در اطراف آن، سکوهایی برای نشستن تعبیه می‌کردند. (امیرکبیریان و مرادی، ۱۳۸۱) غالباً «هشتی» دارای عملکردهای زیر بوده است:

- عملکرد واسطه‌ای و مفصلی: در گذر از بیرون به درون، هشتی حال و هوای بیرون را متحول می‌کند و واسطه‌ی اتصال ورودی و دالان‌هاست.

- تقلیل نور و ایجاد جاذبه با نور کنترل شده: فضای هشتی فضایی نیمه‌تاریک است و مرحله‌ی تاریک‌تر شدن نسبت به بیرون، به خودی خود حریمی مضاعف ایجاد می‌کند.

- تقسیم و هدایت حرکت (یشمی، ۱۳۷۸)

هشتی به عنوان فضای تقسیم‌کننده‌ی حرکت انسان، یکی از انواع شاخص فضاهای واسطه‌ای برای رسیدن به یک فضای متفاوت است که معمولاً همراه عواملی چون شکستن زاویه‌ی دیده، ایجاد تنوع بصری بوسیله‌ی ایجاد پیچ‌وخم‌های مناسب، ایجاد اختلاف سطح، نوع پوشش‌ها، تزیینات، طاق‌نماها، نورگیری و کف‌سازی متفاوت و ... می‌باشد. هشتی در معماری خانه سنتی ایران به عنوان فضای فیلتر و مفصل قابل تشخیص است (محمد مرادی، امیرکبیریان، ۱۳۸۱)

هشتی به عنوان مفصل

واژه‌ی «مفصل» در لغت به معنای «بند اندام و جای پیوستگی دو استخوان یا محل اتصال دو یا چند استخوان به یکدیگر» (دهخدا، ۱۳۷۷)، «از هم جدا شده» (معین، ۱۳۷۸)

مفصل بندی: چگونگی ارتباط در کالبد به یکدیگر که از نظر ساختار شکلی بین دو حد همبستگی تا پیوستگی شکل می‌گیرد را مفصل بندی می‌گوییم. مفصل بندی بین عناصر، استقلال عناصر مختلف را مورد تاکید قرار می‌دهد. نقش خاص عناصر مختلف تشکیل‌دهنده بنا را نیز تقویت می‌کند. انقطاع‌ها موجب شکل‌گیری تکیه‌ها، و ضرباهنگ (ریتم‌ها)، جای‌گیری، فرم و اندازه‌ای می‌شوند که باید با دقت بسیار به هنگام پرداختن به حال و هوای کلی، مد نظر قرار گیرند. نقطه‌ی تلاقی بین دو یا چند عنصر، با در نظر گرفتن فضای تهی یا عنصری دیگر که مشخصات بدین منظور طراحی می‌شود. آشکار است که برخورد ساده‌ی دو عنصر را با این تعریف، نمی‌توان به مثابه مفصل بندی در نظر گرفت. در واقع مفصل بندی، مستلزم شناخت حد و حدود و تلاقی دو عنصر است. عوامل و ابزارهایی که با آنها می‌توان مفصل بندی را به وجود آورد متفاوت‌اند و می‌توان همزمان آنها را به کار گرفت. مواد و مصالح، عناصر معماری، کاربرد و مفاهیم از این دست است.

مفصل بندی در معماری؛ برخلاف مجسمه‌سازی، نیازمند ارجاع به یک یا چند عامل و شیوه از موارد ذکر شده، و این کار با هوا و هوس جور نمی‌آید. مفصل بندی تبیین ساخت و عملکرد و روابط را برای سایت امکان‌پذیر می‌کند. بدین ترتیب است که ساختمان شکلی عیان‌تر و صریح‌تر به خود می‌گیرد و ماهیت خود را بروز می‌دهد. (آیوایان، ۱۳۹۰)



همانطور که گفته شد برای تحلیل یک فضا بایستی نقش‌های فرمی، عملکردی و رفتاری آن فضا مورد بررسی قرار گیرد. برای ارزیابی عنصر «هشتی» از نظر فرمی (کالبدی) و فعالیتی (عملکردی)، بایست هشتی را به عنوان مفصل بررسی کنیم. مفصل در معماری، محلی است که دو فضا از هم جدا می‌شوند و در عین حال به هم وصل نیز می‌شوند، بنابراین عنصر مفصل هم محل فصل است و هم محل وصل. مفاصل در معماری با توجه به تعاریف مختلف فضا، به انواع مختلفی تقسیم می‌شود. در کل مفاصل به دو دسته‌ی زیر تقسیم می‌شود:

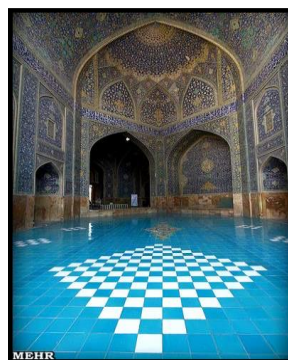
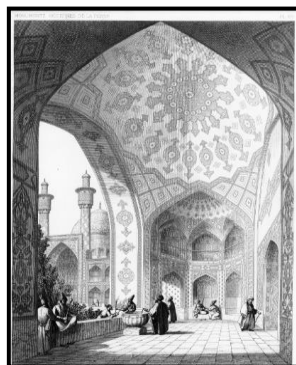
مفاصل کالبدی:

مفاصل کالبدی بر اساس تعریفی از فضا به سه قسمت تقسیم می‌شود. وی فضا را به سه قسمت تقسیم می‌کند:

- ۱- فضای انتقال: فضایی که برای انتقال از یک وضعیت به وضعیت دیگر به ما کمک می‌کند.
- ۲- فضای مسیر: فضایی که نقض آن به عنوان فضای عبوری شناخته شده است و نقش جمع‌کنندگی و پخش‌کنندگی یا فاصله‌گذاری را بر عهده دارد.

۳- فضای مکان: مکان معنا، پایه و اساس باشیدن را بر می‌سازد. بنیادی‌ترین نیاز انسان تجربه‌ی معنادار وجود اوست. میان حالات روانی انسان و نیروهای طبیعی نوعی تطابق و همخوانی وجود دارد. تنها در این صورت است که می‌تواند با چیزها همراهی و صمیمیت شخصی به دست آورد و تجربه‌ی معناداری از محیط داشته باشد. انسان نه با داده‌های علمی، بلکه تنها با کیفیات همراه و هم‌نواست. انسان همچنین با نور زندگی می‌کند و خود را با آن تنظیم و هم‌ساز می‌سازد. در واقع حالات شخصی و جمعی (ذهنیات) متأثر از اقلیم محیطی است. در نهایت انسان در زمان زندگی می‌کند، یعنی با تغییرات چهار بعد دیگر. او با ضرباهنگ روز و شب، با فصل‌ها و در تاریخ زندگی می‌کند. وابستگی انسان به طبیعت سال‌هاست که شناخته شده است. (شولتز، ۱۳۸۸) و معماری: مظهر فعلیت مکان است، مکانی مخلوق در وراء تاریخ، زائیده‌ی تخیل خلاق که ریشه در تاریخ و خاک زمین دارد. (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۰)

بر اساس این تعریف از فضا، مفصل کالبدی نیز به سه قسمت مفصل انتقال، مفصل مسیر و مفصل مکان طبقه بندی می‌شود. عنصر «هشتی» با اینکه نقش عمده‌ای در نقل و انتقال دارد، علاوه بر فضای انتقال، فضای مسیر نیز محسوب می‌شود. گاهی اوقات هشتی می‌تواند به عنوان مفصل مکان نیز مطرح می‌شود. با توجه به تعریف مکان: «جا یا قسمتی از یک فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند صاحب هویتی خاص شده است (گروتز، ۱۳۸۳)» یا در تعریفی کامل‌تر «فضایی است هویت یافته که در واقع با رعایت قضایای همبستگی و پیوستگی در خودش، علاوه بر اینکه می‌تواند با محیط ارتباط رابطه برقرار کند می‌تواند به عنوان واحدی (مستقل) شناخته شود. (با محدود کردن ارتباط). هشتی می‌تواند به عنوان مفصل مکان نیز، باشد. با این شرط که بتواند در خود، فضا را به مکان بدل کند. برای مثال هشتی در مساجد (مثل مسجد امام اصفهان) با ایجاد قابی رو به حیاط مسجد، فضای مسجد را به درون خود کشیده، با فضای داخلی ارتباط برقرار می‌کند و ازین ارتباط مناسب، هویت یافته، تبدیل به مکان می‌شود.



تصویر ۱ و ۲: تصویری از قاب باز شده به سمت حیاط در هشتی مسجد امام اصفهان



در منازل مسکونی نیز با توجه به مورد استفاده از هشتی دارای سکوهایی برای نشستن و برای روشن کردن شمع بوده است که خود حس تعلق در فضا موج می‌زند و تبدیل به مکان گشته است.

هشتی هم به عنوان مفصل مسیر، فضایی است که وظیفه ی جمع و پخش کنندگی را بر عهده دارد و هم به عنوان مفصل انتقال، عامل انتقال از یک فضا (جلوخان و درگاه) به فضای دیگر (دالان و حیاط) می‌باشد و این از اعجاز معماری ایرانی در خلق فضاهای چندعملکردی است.

مفاصل فعالیتی: به طور کلی مفاصل فعالیتی شامل:

- مفاصل عرصه‌بندی در جهت رعایت حریم، مفاصلی که در کنترل ازدحام نقش دارند (شنیداری و گفتاری)، مفاصل حفاظتی، مفاصل ایمنی و مفاصل بهداشتی می‌باشد.

مفاصل عرصه‌بندی در جهت رعایت حریم: حریم در فرهنگ و ادب جاری ما، به فضای برونی چیزی گفته می‌شود که موضوع حرمت است و سبب وجود اقدامی که به تشخیص و تعیین و تحدید مکانی خاص انجامیده. (فلامکی، ۱۳۸۴) حد و حریم که در طول زندگی آدمیان در زیستگاه‌های همگانی بزرگ یا شهرها آرام آرام به وجود آمدند شکل و مفهومی داشتند متمایز با آنچه پیش‌تر تجربه می‌شد، این جا چندگونه‌ی متفاوت حریم می‌یابیم که به شرح زیر قابل تشخیص از یکدیگرند:

- نخست، حریم‌هایی‌اند که از فاصله‌ی دور از شهر نیز دیده می‌شوند نمایانگر سطوحی‌اند که، در واقعیت روزمره، سد ورود به شهر دانسته می‌شوند. (فلامکی، ۱۳۸۴)

- دوم، حریم‌هایی‌اند که شهرنشینان برای تایید بر حق ویژه‌ی خود بر مکان همگانی خاصی که در اختیار دارند، می‌گذارند، ورود به کاروانسراهای درون شهر و تیمچه‌ها و حتی به برخی از راسته بازارها و قیصریه‌ها، برای هر مشتری آزاد دانسته می‌شود اما هم در ساعت خاصی محدود می‌شود و هم در بخش‌هایی از فضای درونی. ازین رو است که هیچ‌گاه شهروندان دز تجربه‌های شهرزیستی، برای دیدارهای آزاد و گذران اوقات فراغت خویش به این مکان‌ها دل نمی‌بندند. (فلامکی، ۱۳۸۴)

- سوم، حریم‌هایی‌اند که زیست‌مندان شهر برای محله‌های مسکونی - و برای مرکز محله‌های با یا بدون مکانی شبیه یا متقارن بازارچه‌ی خاص خود - قایل‌اند. این مرکز محله‌ها بر حسب اینکه در کدام طیف از تجربه‌های شهر زیستی واقع شوند، شکلی دگر از ارتباطات اجتماعی را برقرار و حمایت می‌کنند. (فلامکی، ۱۳۸۴)

- چهارم، حریم‌هایی‌اند که ساکنان شهر برای بخش‌هایی از بافت سکونتی خود قایل‌اند. این مهم را، به همان شکل و حالی که در بزم بست‌ها و گذرهای فرعی و کم‌رفت و آمد شهرهایی مانند شیراز و یزد و سمنان کشورمان می‌بینیم (فلامکی، ۱۳۸۴)

- پنجم، حد و حصار و سد و دیواری است که در تجربه‌های شهر ساختی اروپاییان و به ویژه در شهرهای پرجمعیتی که از دیرباز به کار بازرگانی می‌پرداختند - بر محله‌های یهودی‌نشین دیده می‌شود، همیشه با نام شناخته شده‌ی گتو گزارش می‌گردد. (فلامکی، ۱۳۸۴)

کشورهایی که مفهوم «حفاظ» برایشان بار مذهبی دارد، تمامی شهروندان یعنی شهروندان محله‌های دیگر همان شهر را به گرمی پذیرا نمی‌شوند مگر آن که به دیدار کاسبی یا خادمی در مرکز محله آمده باشند - چیزی که در مسجدها و به ویژه در گرمابه‌های همگانی واقع در مرکز محله‌های کشور ما به وضوح دیده می‌شود.

در گذشته خانه در بافت‌های شهری پیوسته، متراکم و درونگرا، فضایی خصوصی برای زندگی خانودگی بود که معمولا اصل محرمیت (در راستای اصول دینی و مذهبی) در طراحی و احداث آن رعایت می‌شد تا افراد خانواده از دید اشخاص نامحرم محفوظ باشند. هدف از عناصر ورودی در منازل مسکونی از جمله هشتی، هدایت رفتار و توجیه مخاطب است. اما شاید بیش از آن، ایجاد استحاله‌ی روحی است جهت محو خاطره بیرونی و آمادگی برای ورود به عالمی دیگر. در این مقام آنکه نامحرم است



باید محرم شود و آنکه غیر است باید آشنا گردد، چرا که حرم جای محرم است و خلوت منزلگاه یار. تفاوت شکل ورودی خانه‌ها با بناهای عمومی، از جهت نوع اتصال به قلب مجموعه، شاید از تاکیده‌ها و تفاوت‌هایی که در احکام اسلامی در خصوص ورود به این دو بنا وجود دارد ناشی شده باشد. بر طبق آیات قرآنی ورود به خانه‌ی دیگران تنها پس از کسب اجازه از ساکنان خانه میسر است، که احتیاط بیشتر در اعمال فرد و به علاوه انحای گوناگون استعمال را ایجاب می‌کند، در حالی که دخول به بناهای عمومی که محل تردد مردم است از استیذان معاف است. احکام اذن دخول نخست از باب پوشیده بودن زنان در مقابل نامحرم است، چنانکه آیات مربوطه به پوشش و اذن دخول نیز توأمان آمده‌اند و دیگر حفظ حریم خانواده چه برای زن و چه برای مرد است. (نویسی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰)

بیشتر خانه‌های شهر تک‌هسته‌ای بودند و تنها تعداد اندکی از خانه‌ها یعنی خانه‌های متعلق به اشراف و رجال شهر دو هسته‌ای، یعنی متشکل از دو واحد تقریباً متمایز اما پیوسته بودند. فضای ورودی این نوع خانه‌ها به تبعیت از اهداف مذهبی و اجتماعی به صورتی طراحی می‌شد که افراد به صورت ناگهانی و یکمرتبه وارد فضای خانه نشوند. و همچنین از فضای ورودی (از درگاه یا هشتی ورودی)، به فضاهای داخلی خانه دید مستقیم وجود نداشته باشد. به همین جهت طراحی فضای ورودی در عموم خانه‌های درونگرا به شکلی بود که مسیر حرکت در امتداد محوری غیر مستقیم شکل می‌گرفت. و عموماً در یکی از گوشه‌های حیاط یا نزدیک به آن به حیاط متصل می‌شد. بنابراین یکی از اهداف مهم در طراحی فضای ورودی خانه‌ها، نه تسهیل حرکت، بلکه کنترل آن و طولانی نمودن مسیر حرکت از بیرون به درون بوده است.

در بسیاری از خانه‌ها که از دو بخش اندرونی و بیرونی تشکیل شده بودند، معمولاً از هشتی ورودی دو راه جداگانه منشعب و به هر کدام از آنها منتهی می‌شد. فضای هشتی معمولاً بلافاصله پس از درگاه قرار می‌گرفته است و یکی از کارکردهای آن تقسیم مسیر ورودی به دو یا چند جهت بوده است. در برخی از خانه‌ها دو یا چند راه از داخل هشتی منشعب می‌شده که هر یک از آنها به فضایی خاص و از جمله به فضای باز داخلی بنا منتهی می‌شده است. در بناهایی که از هشتی آنها تنها یک راه منشعب می‌شده، فضای هشتی کارکرد یک فضای تقسیم‌کننده را نداشته، بلکه به عنوان فضایی برای انتظار و با شکوه نمودن مسیر ورودی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. از فضای هشتی برای تغییر جهت مسیر حرکت نیز استفاده می‌کرده‌اند. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲)

تفاوت شکل ورودی خانه‌ها با بناهای عمومی، از جهت نوع اتصال به قلب مجموعه، شاید از تاکیده‌ها و تفاوت‌هایی که در احکام اسلامی در خصوص ورود به این دو نوع بنا وجود دارد ناشی شده باشد. بر طبق آیات قرآنی ورود به خانه‌ی دیگران تنها پس از کسب اجازه از ساکنان خانه میسر است، که احتیاط بیشتر در اعمال فرد و به علاوه انحای گوناگون استعمال را ایجاب می‌کند، در حالی که دخول به بناهای عمومی که محل تردد مردم است از استیذان معاف است. (نویسی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰)

- مفاصل بعنوان کنترل‌کننده ازدحام (شنیداری و گفتاری)، مفاصل حفاظتی، مفاصل ایمنی و مفاصل بهداشتی:

همواره مردم تلاش می‌کنند در انجام فعالیت‌ها به سطح مناسبی از خلوت دست یابند. در تعاریف مربوط به خلوت یک ویژگی مشترک وجود دارد. نکته‌ی اصلی این تعاریف، توانایی کنترل افراد یا گروه‌ها بر تعامل دیداری، شنیداری و بویایی با دیگران است. راپاپورت خلوت را «توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد» تعریف کرده است. (لنگ، ۱۳۹۱، ۱۶۵) این امر در عنصر ورودی و هشتی کاملاً مشهود است. در طراحی هشتی، به عنوان پیش فضای ورودی، تمهیداتی اندیشیده شده است، از جمله می‌توان به لحاظ بعد دین (اصل محرمیت) با باز شدن در منزل دید مستقیم به داخل فضای خصوصی وجود ندارد. اما از نظر بعد ارزشها و هنجارهای ملی (مهمان‌نوازی و احترام به دریافت فرد از محیط)، به وجود سکوهایی اطراف هشتی جهت ایجاد فضایی مناسب برای روشن کردن شمع، استراحت و انتظار «آیندگان» اشاره کرد همچنین این فضا برای ایجاد آمادگی ذهنی آیندگان برای ورود به فضای اصلی است. درحقیقت، معمار در این مرحله با کاستن روشنایی فضا نسبت به گذر و افزایش مرحله به مرحله نور در مسیر حرکت به سمت حیاط شخص را برای دیدن فضایی جدید کنجکاو کرده و آماده می‌نماید. همچنین وجود کاربردی در سقف این فضا، علاوه بر این که شخص مرحله به مرحله با تزیینات

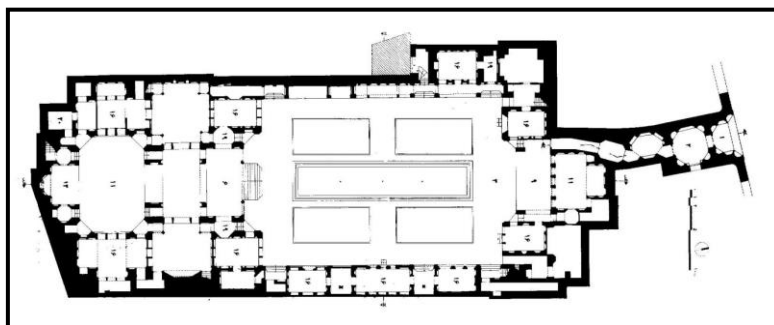


منزل آشنا می‌شود، ارتفاع محیط را به ارتفاع انسانی نزدیک می‌کند و شخص وارد شونده احساس حقارت نمی‌کند (مردم‌واری و بعد دینی) و در همین مرحله فرد فرصتی برای تصمیم‌گیری می‌یابد. (بمانیان، غلامی، رحمت‌پناه، ۱۳۸۹)

هشتی عنصری است که به عنوان مفصل فعالیتی، همگی موارد فوق را پاسخگو است و این از اعجاز معماری ایرانی است که با خلق فضاهای میانجی و واسطه، به نیازهای عمده و متعددی پاسخ می‌گوید.

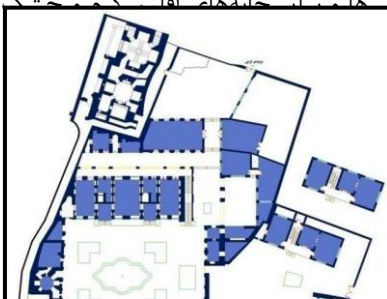
از طرفی در تعریف دیگری از فضا، می‌توانیم فضاها را به دو دسته ی کارکردی و فاصله‌گذار تقسیم کنیم، مثل اتاق خواب که کارکردی است و راهرو که فاصله‌گذار است. در این تقسیم‌بندی، هشتی جزو هر دو گروه تقسیم می‌شود. از سویی با قرار دادن چندین سکو برای نشستن و... در اطراف آن، تبدیل به فضای کارکردی شده، از سوی دیگر به عنوان عنصر مستقل فاصله‌گذار، ارتباط‌دهنده‌ی فضای درگاهی و سردر به دالان می‌باشد.

یکی از دلایل تاثیرگذار در ایجاد ورودی، عامل اقلیم است. هر در مفهوم اقلیم را در معنای کل محیط طبیعی و انسان - ساخت مطرح ساخته و زندگی انسانی را به عنوان اقلیم مشخص می‌ساخت. با این حال اضافه کرده که «اقلیم»، انسان را «مجبور نمی‌کند»، بلکه «متمایل کرده» و «مهیا می‌سازد». انسان بخشی از طبیعت بوده همچنین انسان می‌تواند بر طبیعت چیره شود بدون آنکه خود را از آن جدا و منزوی سازد. پس او باید به درک عمیق‌تر از «قوانین» آن دست یابد. آگاهی انسان هم در محتوا و هم در شکل، خود «بازتاب» طبیعت است. (شولتز، ۱۳۸۸) در معماری ایرانی، اقلیم، همواره به عنوان فرصت و نقطه‌ی قوت مطرح می‌شود و استفاده از اقلیم (تبدیل محدودیت به فرصت) به بهترین صورت در این معماری صورت می‌گیرد. با بررسی منازل مسکونی در اقلیم‌های مختلف، می‌توانیم تاثیر اقلیم در شکل‌گیری کالبد ورودی و هشتی را ببینیم. در اقلیم گرم و خشک به علت اینکه اصولاً هیچ فضای شهری غیر محصور در این مناطق وجود ندارد، زیرا محافظت از فضای غیر محصور در مقابل شرایط نامساعد اقلیمی ناممکن است، (قبادیان، ۱۳۸۷) هشتی همواره عنصری مستقل و پیونددهنده، نظم‌دهنده به کل مسیر ورودی می‌باشد. (عنصری نظم‌دهنده به فضای بی‌نظمی است) و در کل باید گفت عنصری است مستقل، ارتباط‌دهنده و نظام‌بخش. «هشتی در این اقلیم، به شکل‌های هشت گوش کامل، هشت و نیم هشت، نگینی و کشکولی ساخته می‌شده است.» (پیرنیا، ۱۳۸۷)



تصویر شماره ی ۳: پلان طبقه ی اول خانه بروجردیها

اما در اقلیم شمال (معتدل و مرطوب) همواره سعی در خلاصه‌سازی این عنصر به دلیل رطوبت زیاد در این اقلیم می‌باشد. در این اقلیم همواره سعی در کوران هوا در داخل بنا برای کنترل رطوبت هوا و جلوگیری از سنگین شدن هوا دارند. زیرا «بهترین روش در مناطق مرطوب جهت تنظیم شرایط محیطی به کارگیری جریان باد و تهویه هوا در بنا می‌باشد» (اخترکاو، ۱۳۹۰) به همین دلیل در نمونه‌های خانه‌های اربابی همواره یا عنصر هشتی با عنصر دالان ترکیب شده و به هندسه‌ی مستطیل کشیده که بیشتر به تناسب دالان نزدیک است، در می‌آید (خانه‌ی کلبادی ساری)، یا با حفظ هشتی به عنوان عنصری مستقل سعی در حذف دالان و کوتاه کردن مسیر ورودی دارند. (خانه ی منوچهری (شهرستان آمل)). برای بررسی این امر می‌توان به خانه‌ی کلبادی (ساری) و؛ در مقابل خانه‌ی طباطبائی (شهرستان آمل) توجه کرد.





تصویر شماره ۴: پلان طبقه ی اول خانه کلبادی

نتیجه گیری و بحث:

نتایج بررسی های بدست آمده در این تحقیق با نظرات نوایی و حاجی قاسمی در سال ۱۳۹۰ در کتاب خشت و خیال شرح معماری اسلامی (ص ۲۵) که عنصر هشتی را تمایل مردم ایران زمین به جدا کردن محیط بیرونی از فضای درونی قلمداد نموده و برای این دو اهمیت خاصی قائل شده و به عامل ارتباط یعنی ورودی نقش حساسی می دهند و معتقدند که ارتباط بیرون و درون معمولا به صورت اتصال در یک نقطه اتفاق افتاده و ورودی به صورت مجرای کوچکی کالبد را شکافته و دو قسمت را به هم نقب می زند و به عنوان واسط میان بیرون و درون به گونه ای طرح شده اند که از یک سو تمایز میان دو بخش را حفظ و از سوی دیگر آن دو را به یکدیگر پیوند می دهد و نظرات استاد پیرنیا ۱۳۸۹ در کتاب معماری ایرانی به تالیف غلامحسین معماریان (ص ۱۶۰) که معتقد است " هشتی، فضای میانجی درون و بیرون یک ساختمان بوده که به شکل های هشت گوش کامل، هشت و نیم هشت، نگینی و کشکولی ساخته می شده است " همچنین سلطان زاده ۱۳۷۲ که در (ص ۷۵) کتاب فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران معتقد است فضای هشتی معمولا بلافاصله پس از درگاه قرار می گرفته و یکی از کارکردهای آن تقسیم مسیر ورودی به دو یا چند جهت بوده است " و مرادی و امیرکبیریان هم که در سال ۱۳۸۱ در کتاب خود ضمن معرفی تعدادی از ابنیه سنتی معماری ایران و تحلیلی بر ویژگی های فضایی آنها (ص ۱۱۶) هشتی را در معماری خانه سنتی ایران به عنوان فضای فیلتر و مفصل قابل تشخیص دانسته و معتقد بودند که هشتی به عنوان فضای تقسیم کننده ی حرکت انسان، یکی از انواع شاخص فضاهای واسط برای رسیدن به یک فضای متفاوت قلمداد شده که معمولا همراه عواملی چون شکستن زاویه ی دید، ایجاد تنوع بصری بوسیله ی ایجاد پیچ و خم های مناسب، ایجاد اختلاف سطح، نوع پوشش ها، تزئینات، طاق نماها، نورگیری و کف سازی متفاوت و ... می باشد مطابقت داشته. بنابراین می توان این گونه نتیجه گرفت که هشتی به عنوان عنصر هویت ساز و کالبدی مستقل که ارتباط دهنده و تفکیک کننده مرز بین درون و بیرون را در معماری ایرانی تعیین می کند نباید در معماری ایرانی حذف گردد، بلکه با با جانمایی مناسب به طور کامل و یا تحت کالبدی نو یا برآورده ساختن همان نیازها در آپارتمان های امروزی و ... سعی در ارتقای این عنصر واسط و میانجی در معماری امروز داشت. کنار گذاشتن عناصر معماری گذشته (با توجه به اینکه معماری یک مقوله ی فرهنگی است) نادیده گرفتن فرهنگ و اصل و ریشه ی ایرانی - اسلامی است و موجب سردرگمی فرهنگی، اجتماعی و ... می شود بنابراین با بررسی های انجام گرفته در این مقاله پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می گردد:

۱. ایجاد مراکز آموزش علمی - کاربردی مستقل با رشته های مجزا در زمینه آموزش عناصر مختلف معماری ایرانی از مقاطع کاردانی تا کارشناسی ارشد با کارگیری معماران سنتی تجربی مجرب بازمانده از نسل گذشته برای امر آموزش در هر یک از این مقاطع
۲. گذراندن تعداد بیشتری از واحدهای تخصصی در خصوص مفاهیم معماری ایرانی در مقاطع مختلف کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده های معماری



۳. به کارگیری معماران سنتی تجربی مجرب بازمانده از نسل گذشته برای امر آموزش در مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و بالاتر) در حوزه‌ی معماری و شهرسازی
۴. برگزاری مسابقات طراحی معماری در سطح کشور با رویکرد «تلفیق معماری مدرن و سنتی» برای جمع‌آوری طرح‌ها، رویکردها و تفکرات نو و تاثیرگذار در این حوزه
۵. برگزاری دوره‌های آموزشی برای اعضای کانون نظام مهندسی ایران با حضور معماران سنتی و تجربی بازمانده از نسل گذشته برای انتقال مفاهیم و تجربیات معماری ایرانی به مهندسیان جوان

منابع:

- (۱) اخترکاوان، مهدی و صدیق، مرتضی و اخترکاوان، حمید (۱۳۹۰)، تنظیم شرایط همساز با بوم و اقلیم ایران (اقلیم، معماری و انرژی)، انتشارات تهران: کله‌ر، تهران
- (۲) بنتلی، ای یین و الکتک، آلن و مورین، پال و مک گلین، سو و اسمیت، گراهام (۱۳۹۰)، محیط‌های پاسخده، مترجم: دکتر مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران
- (۳) بمانیان، محمدرضا و غلامی رستم، نسیم و رحم تپناه، جنت (۱۳۸۹)، عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی « نمونه موردی خانه رسولیان یزد»، دو فصلنامه‌ی علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۳، صفحات ۵۵ - ۶۸
- (۴) پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۷)، معماری اسلامی ایرانی، انتشارات سروش دانش، تهران.
- (۵) پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۹)، معماری ایرانی، انتشارات سروش دانش، تهران.
- (۶) تقوایی، ویدا (۱۳۸۶)، نظام فضایی پنهان معماری ایرانی و ساختار آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۰، صفحات ۴۳ - ۵۲
- (۷) دوستی مقدم، پیوند (۱۳۸۸)، بررسی تاریخچه ورودی، نشریه‌ی آرمانشهر، شماره ۲، صفحات ۹۱ - ۱۰۳
- (۸) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه‌ی معتمد نوال، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- (۹) دی کی چینگ، فرانسیس (۱۳۸۵)، معماری: فرم، فضا و نظم، ترجمه‌ی تغابنی، علیرضا و قویدل، صدیقه، انتشارات کتاب آراد، تهران
- (۱۰) رمضان جماعت، مینا و نیستانی، جواد (۱۳۸۹)، جلوه‌های سنت و تجدد در فضاهای ورودی خانه‌های تهران دوره قاجار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴، صفحات ۶۵ - ۷۵
- (۱۱) سلطان زاده، حسین (۱۳۷۱)، فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدیم، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
- (۱۲) سلطان زاده، حسین (۱۳۷۲)، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران
- (۱۳) شجاع رضوی، سعیده (۱۳۸۴)، زاویه‌ی نام‌توصیفی معماری و حوزه‌های وابسته در گویش میبد، انتشارات پژوهشکده‌ی زبان و گویش با همکاری اداره‌ی کل امور فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، تهران
- (۱۴) شولتز، کریستیان نوربری (۱۳۸۸)، روح مکان (به سوی پدیدارشناسی معماری)، ترجمه‌ی شیرازی، محمدرضا، انتشارات رخ داد نو، تهران
- (۱۵) شولتز، کریستیان نوربری (۱۳۸۰) مسکن، حومه و شهر، ترجمه: پوردهیمی، شهرام، انتشارات روزنه، تهران
- (۱۶) شولتز، کریستیان نوربری (۱۳۸۱)، مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی، ترجمه‌ی امیر یار احمدی، محمود، انتشارات آگه، تهران
- (۱۷) شجاع رضوی، سعیده (۱۳۸۴)، واژه‌ی نام‌توصیفی معماری و حوزه‌های وابسته در گویش میبد، انتشارات پژوهشکده‌ی زبان و گویش با همکاری اداره‌ی کل امور فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، تهران
- (۱۸) فلامکی، منصور (۱۳۸۴)، حریم گذاری بر ثروت‌های فرهنگی ایران، انتشارات نشر فضا، تهران
- (۱۹) فون مایس، پی‌یر (۱۳۹۰)، نگاهی به مبانی معماری (از فرم تا مکان)، ترجمه‌ی آیوازیان، سیمون، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- (۲۰) قبادیان، وحید (۱۳۸۷)، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- (۲۱) گروتر، یورک کورت (۱۳۸۳)، زیبایی شناسی در معماری، ترجمه‌ی پاکزاد، جهانبخش و همایون، عبدالرضا، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران



- ۲۲) لنگ، جان (۱۳۹۱)، آفرینش نظریه های معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط) ، ترجمه عینی فرد، علیرضا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ ششم
- ۲۳) محمد مرادی، اصغر و امیرکبیریان ، آتس سا (۱۳۸۱) ، معرفی تعدادی از ابنیه سنتی معماری ایران و تحلیلی بر ویژگی های فضایی آنها، انتشارات صندوق تعاون سازمان میراث فرهنگی، تهران
- ۲۴) محمدی ، رضا و رجبی، محمد علی (۱۳۸۹)، بررسی کتیبه های سردر ورودی منازل تهران از دوره قاجار تا کنون، نشریه ی نگره، شماره ی ۱۵، صفحات ۱۹ - ۲۷
- ۲۵) مطهری، مرتضی (۱۳۵۳)، مسئله ی حجاب، انتشارات انجمن اسلامی پزشکان، تهران، صفحات ۱۱۹ ، ۱۰۹
- ۲۶) معین، محمد (۱۳۷۸)، فرهنگ فارسی معلی ییلاق، انتشارات امیرکبیر، تهران
- ۲۷) نوایی، کامبیز و حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۹۰)، خشت و خیال شرح معماری اسلامی، انتشارات سروش، تهران
- ۲۸) هاشمی، سیدرضا (۱۳۷۵) معماری خیابان ، نشریه آبادی، شماره ۲۰ ، صفحات ۲-۱۰ .
- ۲۹) یشمی، جلال (۱۳۷۸) ، مجموعه مقالات همایش معماری مساجد، گذشته، حال، آینده، انتشارات هنر، تهران
- 30) Haider, s.gulzar (1988), *Islam, Cosmology and Architecture, In The Architecture of Islamic Societies*, Margaret, Bentley sevcenko(ed)., massa chusette: Aga khan program for Islamic architecture, cambridge pp 73-85)